

از تحریم داخلی تا تک‌نرخي ارز: ۱۲ درس از قلب اقتصاد ايران

صدا را بشنوید: گوش دادن به
بخش خصوصی و سرمایه
گذاران، کلید اصلاح اقتصاد

فریاد بخش خصوصی و سرمایه
گذاران: از التهاب به ثبات

اقتصاد بدون التهاب: رویایی که بخش خصوصی می‌تواند محقق کند



اتاق بازرگانی
صنایع، معادن و کشاورزی
اصفهان
ISFAHAN CHAMBER OF COMMERCE
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

Dr. Saghafi



مقدمه

در راستای هم‌افزایی دیدگاه‌های بخش خصوصی و همسویی با چالش‌های مشترک اقتصاد ملی، کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق بازرگانی اصفهان با بررسی دغدغه‌های مطرح‌شده در سطح کشور، از جمله زنجیره ارزش استان، بررسی نرخ ارز و... بر لزوم اصلاح فوری فضای کسب‌وکار تأکید دارد. در شرایطی که ناپایداری سیاست‌ها، تغییرات پی‌درپی بخشنامه‌ها و عدم ثبات قانونی، سرمایه‌گذاری را با ریسک‌های غیرقابل پیش‌بینی مواجه کرده، گفتمان مشترک میان دولت و بخش خصوصی تنها راه‌رایی از این چرخه بحران‌زا است.

این گزارش، بازتابی از تحلیل‌ها و پیشنهاد‌های کلیدی است که در پی مطالعه دیدگاه‌های مطرح‌شده در سطح ملی، با تأکید بر ضرورت مشارکت فعال سرمایه‌گذاران اصفهانی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی کلان تدوین شده است.

«وقتِ گفتمان توسعه است»



۱. «اگر می‌خواهیم کشور به سمت آبادی برود، باید دولت از اقتصاد خارج شود.»

توسعه پایدار اقتصادی مستلزم بازگشت دولت به نقش اصلی خود، نه به عنوان تولیدکننده یا دخالت‌گر در بازار، بلکه به عنوان تأمین‌کننده ثبات کلان، شفافیت حقوقی و زیرساخت‌های نهادی است. تجربه بین‌المللی نشان می‌دهد که در کشورهایی که دولت از مداخله مستقیم در فعالیتهای تجاری دست کشیده و فضای رقابتی را به بخش خصوصی واگذار کرده، رشد بلندمدت، اشتغال پایدار و رفاه عمومی افزایش یافته است. «خروج دولت از اقتصاد» در اینجا به معنای عدم تنظیم‌گری نیست، بلکه یعنی جایگزینی دستوری‌گری با نظارت هوشمند و ایجاد محیطی قابل پیش‌بینی برای سرمایه‌گذاری.

«اگر نمی‌خواهیم بنگاه‌ها بسته شوند، باید سیاست‌گذاری را بازسازی کنیم»



۲. «بخش خصوصی را از تحریم‌های داخلی نجات دهید؛ تحریم‌های خارجی را خودش مدیریت می‌کند.»

تجربه زیسته در این مدت نشان داده است که تحریم‌های خارجی، هرچند چالش‌برانگیز، اما قابل پیش‌بینی و با استراتژی‌های تطبیقی قابل مدیریت هستند. اما «تحریم‌های داخلی»، به شکل بخشنامه‌های خلق الساعه و متغیر، تفسیرهای متنوع و چند وجهی از قوانین، یا سیاست‌های متناقض، بیش از هر عامل دیگری اعتماد سرمایه‌گذاران را از بین می‌برند. بخش خصوصی در صورت وجود ثبات قانونی و شفافیت سیاستی، قادر است با انعطاف‌پذیری و نوآوری، راهکارهای بومی برای مقابله با محدودیت‌های بین‌المللی ارائه دهد. بنابراین، کاهش موانع درون‌زا نه تنها یک الزام اقتصادی، بلکه شرط لازم برای فعال‌سازی ظرفیت‌های بومی در برابر فشارهای خارجی است.

«تحریم‌های خارجی را بخش خصوصی تحمل می‌کند؛ اما تحریم‌های داخلی، نفس اقتصاد را می‌بندند.»



۳. «ثبات قانونی، پایه اعتماد در فضای کسب‌وکار است؛ عدم قطعیت، التهاب می‌آفریند.»

در نظریه اقتصادی، «عدم قطعیت حقوقی» یکی از موثرترین موانع سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. زمانی که فعالان اقتصادی بدلیل تغییر مکرر قوانین یا اجرای انتخابی مقررات نمی‌توانند با اطمینان برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشند، رفتار آنها به سمت کوتاه‌نگری و کاهش ریسک سوق می‌یابد. ثبات قانونی، در مقابل، هزینه تراکنش را کاهش داده و اعتماد را افزایش می‌دهد. این اعتماد، هسته اصلی هر اقتصاد پویا و رقابتی است. بدون آن، فضای کسب‌وکار به محیطی التهابی تبدیل می‌شود که در آن تصمیم‌گیری بر پایه اطلاعات ناقص و ترس از تغییرات آینده صورت می‌گیرد.

«بدون ثبات قانونی، هیچ سرمایه‌گذاری بلندمدتی ممکن نیست، فقط کوتاه‌نگری و فرار از ریسک باقی می‌ماند.»



۴. «سیاست‌گذاری پشت درهای بسته، نه مشکل‌ها را حل می‌کند، بلکه بنگاه‌ها را تعطیل می‌کند.»

سیاست‌گذاری اقتصادی مؤثر مستلزم **مشارکت شفاف و آگاهانه ذینفعان**، بویژه بخش خصوصی، است. تصمیم‌گیری‌های یک‌جانبه و غیرشفاف، که «**پشت درهای بسته**» شکل می‌گیرند، نه تنها از دیدگاه فنی مستعد خطا هستند، بلکه از نظر اجتماعی نیز مشروعیت لازم را ندارند. چنین رویکردها باعث ایجاد شوک‌های غیرمنتظره در بازار، اختلال در زنجیره‌های تأمین و در نهایت تعطیلی بنگاه‌ها می‌شوند. در مقابل، مدل‌های مشارکتی (مثل اتاق‌های فکر مشترک دولت-خصوصی، شورای گفتگو) با کاهش اطلاعات نامتقارن، به سیاست‌های واقع‌بینانه‌تر و پایداری‌تر منجر می‌شوند.

«سیاست‌گذاری بدون گفت‌وگو با بخش خصوصی، سیاست‌گذاری علیه توسعه است.»



اتاق بازرگانی
صنایع، معادن و کشاورزی
اصفهان
ISFAHAN CHAMBER OF COMMERCE
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

Dr. Saghafi

۵. «با تک‌نرخی شدن ارز، عمده مشکلات اقتصادی کشور حل می‌شود.»

نظام ارزی چندنرخی، علاوه بر ایجاد ناکارآمدی در تخصیص منابع، زمینه‌ساز فساد، رانت و انحصار می‌شود. تک‌نرخی شدن ارز، با حذف اختلالات قیمتی مصنوعی، بازار را به سمت تعادل واقعی سوق می‌دهد. این امر نه تنها شفافیت را افزایش می‌دهد، بلکه انگیزه صادرات، کاهش واردات غیرضروری و جذب سرمایه خارجی را تقویت می‌کند. البته تک‌نرخی شدن باید همراه با سیاست‌های حمایتی هدفمند برای گروه‌های آسیب‌پذیر باشد، اما به عنوان یک اصلاح ساختاری، می‌تواند گره‌گشا برای بسیاری از مشکلات کلان اقتصادی باشد.

«تک‌نرخی شدن ارز، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت ساختاری برای نجات اقتصاد است.»



۶. «سیاست دولت برای رسیدن جنس ارزان به مردم، به نتیجه نرسید؛ رانت بر جای ماند.»

سیاست‌های قیمت‌گذاری حمایتی، مانند تخصیص ارز نرخ پایین برای واردات کالاهای اساسی، در صورت عدم طراحی دقیق و نظارت مؤثر، به‌جای رسیدن به مصرف‌کننده نهایی، منجر به ایجاد رانت برای واسطه‌ها می‌شوند. این پدیده، «هدف‌گم‌شدگی سیاست‌های حمایتی» نامیده می‌شود. زمانی که مزایای این سیاست‌ها در دست چند شرکت یا شخص خاص متمرکز می‌شود، نه تنها عدالت توزیعی نقض می‌گردد، بلکه باید مالیاتی ناشی از اختلالات قیمتی، نیز باری بر دوش عموم مردم می‌شود. سیاست‌گذاری مؤثر باید مستقیماً به مخاطب هدف (مصرف‌کننده نهایی) متصل شود، نه از طریق زنجیره‌های طولانی و غیرشفاف.

«وقتی حمایت‌ها به جیب واسطه‌ها می‌رود، نه به سفره مردم، آن وقت رانت، نه رفاه، متولد می‌شود.»



۷. «اجرای قانون تعهدات ارزی، نه سفره مردم را بزرگتر کرد، که رانت و فساد را پرورش داد.»

قانون تعهدات ارزی با هدف تأمین ارز برای واردات کالاهای ضروری طراحی شد، اما در عمل، به دلیل فقدان مکانیزم‌های نظارتی و عدم شفافیت در تخصیص، به ابزاری برای اختلاس منابع ارزی و ایجاد انحصار تبدیل شد. این تجربه، نمونه‌ای بارز از «شکست فنی سیاست‌های اقتصادی» است؛ یعنی زمانی که طراحی سیاست بدون در نظر گرفتن انگیزه‌های اقتصادی و ساختار نهادی، نتایجی مخالف اهداف اولیه ایجاد می‌کند. سیاست‌گذاری مؤثر در حوزه ارزی مستلزم نظارت مستقل، شفافیت کامل و مسئولیت‌پذیری حقوقی است.

«سیاست‌های خوب، با اجرای بد،
می‌توانند بدتر از سیاست‌های بد باشند.»



۸. «یک‌سال طول کشید تا یک واژه در قرارداد ۲۸۴ میلیون یورویی اصلاح شود!»

(نقل از رئیس اتاق بازرگانی کرمان)

کاغذ بازی (بروکراسی‌های اداری)، یکی از پرهزینه‌ترین موانع جذب سرمایه‌گذاری است. هر روز تأخیر در تصویب یا اصلاح یک قرارداد بین‌المللی، نه تنها هزینه‌های مالی مستقیم دارد، بلکه اعتماد سرمایه‌گذار خارجی را به شدت آسیب می‌زند. این مورد نشان می‌دهد که حتی یک واژه فنی در سندی با ارزش چند صد میلیون یورو، می‌تواند به‌خاطر روال‌های اداری کند، برای ماه‌ها در دست دستگاه‌ها گیر کند. در دنیای رقابتی امروز، سرعت و قابلیت پیش‌بینی فرآیندها، به‌اندازه خود محتوای سیاست، تعیین‌کننده جذابیت یک محیط سرمایه‌گذاری است.

«در دنیای امروز، سرعت تصمیم‌گیری، بخشی از
جذابیت سرمایه‌گذاری است.»
زیرادر اسکیت روی یخ، امنیت ما در سرعت ماست.



اتاق بازرگانی
صنایع، معادن و کشاورزی
اصفهان
ISFAHAN CHAMBER OF COMMERCE
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

Dr. Saghafi

۹. «کارت بازرگانی اجاره‌ای، اصل مشکل نیست؛ تصویر بزرگ‌تر را ببینید.»

تمرکز بر **راه‌حل‌های نمادین یا سطحی**، مانند ممنوعیت کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای، بدون رسیدگی به ریشه‌های ساختاری مشکل، تنها تصویری از اقدام ایجاد می‌کند، نه اصلاح واقعی. این کارت‌ها، هرچند دارای نواقص، اما در شرایط کنونی سخت تحریمی یکی از کانال‌های واقعی تأمین ارز برای صادرات‌کنندگان هستند. حذف آن‌ها بدون جایگزینی مؤثر، جریان نقدینگی خارجی را مختل می‌کند. سیاست‌گذاری هوشمند باید بجای **واکنش‌های تک‌بعدی**، به سیستم‌های جایگزین شفاف، رقابتی و تحت نظارت بیندیشد.

«ریشه مشکل را درمان کنید، نه
نشانه‌های آن را ممنوع کنید.»



۱۰. «کشور به گفتمان توسعه نیاز دارد، نه اقدامات پراکنده.»

توسعه ملی مستلزم داشتن یک «چشم‌انداز مشترک» و «گفتمان ملی» است که در آن دولت، بخش خصوصی، جامعه مدنی و دانشگاه‌ها درباره اولویت‌ها، مسیرها و موانع رشد، گفتگوی (دیالوگی) سازنده داشته باشند. در غیاب چنین گفتمانی، سیاست‌ها ماهیتی پراکنده، کوتاه‌مدت و گاه متضاد خواهند داشت. این رویکرد بصورت برش کالباسی و قطعه‌قطعه، منابع را هدر داده و از هم‌افزایی اقدامات جلوگیری می‌کند. یک گفتمان توسعه، در عین حفظ تفاوت‌های دیدگاه، به هم‌راستایی سیاست‌های کلان کمک می‌کند.

«بدون گفتمان ملی متمرکز، هر سیاست، حتی اگر خوب باشد، تنها یک اقدام پراکنده خواهد بود.»



۱۱. «تفویض اختیار به استانداران، می‌تواند راه‌حلی برای تحقق رشد مد نظر سند توسعه هفتم باشد.»

اصل «**حکمرانی چندسطحی**» (Multi-level Governance) در اقتصاد توسعه بیان می‌کند که تصمیم‌گیری در سطح محلی، که دانش بهتری از ظرفیت‌ها و موانع منطقه‌ای دارد، کارآمدتر از دستورات متمرکز مرکزی است. در بخش مختلف زنجیره ارزش هر استان، که به‌شدت به ویژگی‌های جغرافیایی، زیرساختی و محیط‌زیستی محلی وابسته است، تفویض اختیار به استانداران می‌تواند سرعت تصمیم‌گیری را افزایش داده و از سوءاستفاده‌های اداری بکاهد. این رویکرد، ضمن تقویت توسعه متوازن منطقه‌ای، پایه‌ای برای رشد هدفمند و پایدار در بخش‌های راهبردی (استراتژیک) را نیز فراهم می‌کند.

«توسعه موفق، از مرکز دستور نمی‌شود؛
از خاک هر استان سرچشمه می‌گیرد.»



۱۲. «اقتصاد ما» بیمار خوشحالی نیست؛ اصلاحات باید آرام و منطقی باشد.

اصطلاح «بیمار خوشحال» به اقتصادهایی اشاره دارد که ظاهراً در شرایط خوبی به نظر می‌رسند، اما از نظر ساختاری آسیب‌پذیر هستند. اقتصاد ایران، با وجود برخی شاخص‌های کوتاه‌مدت مثبت، دچار ناهنجاری‌های عمیقی از جمله تورم بالا، بیکاری ساختاری، ناکارآمدی بخش دولتی و وابستگی به درآمدهای نفتی است. بنابراین، اصلاحات اقتصادی باید با دقت، هدفمند و همراه با اقدامات تعدیلی انجام شوند تا از شوک‌های ناگهانی که بار آن را مردم پرداخت می‌کنند، جلوگیری شود. رویکرد اصلاحی باید «آرام» باشد نه به معنای تعلل، بلکه به معنای طراحی هوشمند، گام‌به‌گام و همراه با شبکه‌های ایمنی اجتماعی.

«اقتصاد ما نیاز به جراحی ناگهانی ندارد؛ نیاز به درمان هوشمند و پایدار دارد.»

